

میرزا محمد مقیم کتابدار
کتابدار، سیاستمدار، شاعر و ادیب عهد صفویه

سوسن اصیلی

مسئول بخش نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران

asili@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۹۰/۹/۱۵ تاریخ پذیرش: ۹۰/۱۱/۱۶

چکیده

هدف: این مقاله به بررسی جایگاه و منزلت کتابدار در ایران عصر صفوی پرداخته و سپس برای روشن‌تر شدن این جایگاه، زندگی و آثار یکی از کتابداران دوره شاه عباس دوم، میرزا مقیم کتابدار، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

روش: این مقاله با رویکرد توصیفی-تحلیلی بر مبنای روش کتابخانه‌ای تهیه شده است.

یافته‌ها: جستجو در متون تاریخی و نسخه‌های خطی کمتر شناخته شده می‌تواند بسیاری از ناشناخته‌های تاریخ فرهنگی ما را روشن سازد. از جمله این ناشناخته‌ها طبقه کتابدار و جایگاه متصدیان این شغل در طول تاریخ است. کتابداران در گذشته به دلیل توانایی بالای علمی از حیثیت و جایگاه برجسته‌ای برخوردار بودند. تا جایی که یکی از کتابداران دوره صفویه، میرزا مقیم توانست به منصب سفارت سیاسی دست یابد. این مقاله از میان آثار این کتابدار نفوذ او در امور فرهنگی و سیاسی را به تصویر می‌کشد.

واژه‌های کلیدی: کتابدار عصر صفویه، میرزا مقیم کتابدار، نسخه‌های خطی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

امروزه کتابدار به کسی گفته می‌شود که دانش کتابداری را آموخته و با کسب این مهارت در کتابخانه‌ها به «گردآوری، نگهداری، سازماندهی و استفاده از رسانه‌های ارتباطی بدون می‌پردازد» (موکهرجی، ۱۳۶۸ : ۱۴). کتابداری یکی از مشاغل است که اطلاعات زیادی از تاریخ آن در دست نیست و در متون تاریخی اشارات اندکی به برخی از کتابداران مشهور وجود دارد که اغلب در کتابخانه‌های سلطنتی مشغول به کار بوده‌اند. با اینکه در سراسر تاریخ ایران کتابخانه‌های بزرگی در کاخ‌های سلطنتی و یا به شکل عمومی و خصوصی وجود داشته است که قطعاً با تلاش و ذوق یک کتابدار اداره و سازماندهی می‌شده‌اند نمی‌توان اطلاعات جامعی از وظایف و عملکرد این قشر از جامعه به دست آورد، بنابراین لازم است با بررسی متون تاریخی و ادبی و نسخه‌های خطی این گروه اهل فرهنگ و جایگاه آن‌ها را در جامعه علمی روزگار خودشان شناخت.

این مقاله درصدد است ضمن بررسی مقام و منزلت کتابدار در جامعه فرهنگی ایران به این سؤال پاسخ دهد که کتابدار چه کسی بود و چه جایگاهی در جامعه زمان خودش داشت؟ دارنده این شغل به چه توانایی‌هایی دست می‌یافت و علاوه بر کتابداری به چه امور دیگری اشتغال داشت؟ به دلیل اطلاعات ما از زندگی کسانی که به کتابداری مشغول بودند بسیار اندک است در این مقاله به طور موردی زندگی و آثار یکی از کتابداران دوره صفویه به نام میرزا محمد مقیم کتابدار مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

پیشینه پژوهش

علیرغم اهمیت شغل کتابداری تاکنون هیچ پژوهش مستقلی درباره این صنف، وظایف و نقش آن انجام نگرفته است. حتی در دایره‌المعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی که مرجعی تخصصی در این زمینه است، مدخلی به واژه کتابدار اختصاص داده نشده است. ویلم فلور در تعلیقات خود بر کتاب دستورالملوک

میرزا رفیعا مطالبی مختصر برگرفته از متون دوره صفویه درباره کتابداران دارد. درباره میرزا مقیم کتابدار نیز با وجود اینکه نقش سیاسی هم داشته و یک بار به عنوان سفیر به دکن فرستاده شده است نیز اطلاعات زیادی در دسترس نیست. زنده یاد دانش پژوه ضمن مقاله‌ای که به معرفی کتابداران پرداخته یک کتابشناسی از آثار مربوط به میرزا مقیم ارائه کرده است که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفت (دانش پژوه، ۱۳۵۲: ۵۶-۵۸). ایرج افشار در مقاله کتابداری در کتابخانه‌های قدیم ایران اشاره‌هایی را که در متون قدیمی به منصب کتابدار شده است از قدیم الایام ذکر کرده است (افشار، ۱۳۵۳: ۱۵۱). رکن الدین همایونفرخ در کتاب کتاب و کتابخانه‌های شاهنشاهی ایران ضمن معرفی کتابخانه‌های تاریخی به اختصار برخی کتابداران را نیز معرفی کرده است (همایونفرخ، ۱۳۴۷). مبنای بررسی حاضر بر نسخه‌های خطی که از میرزا مقیم باقی مانده یا اشعار و نامه‌های او در آن آمده قرار دارد.

شغل کتابداری و کتابخانه

تا دوره حکومت صفویان در متون از کتابدار با عنوان خازن، مناول، کارکنان کتابخانه و عمله کتابخانه نام برده شده است (افشار، ۱۳۵۳: ۱۲-۱۶۳). در آغاز دوره صفویه در مشوری که شاه اسماعیل یکم (۹۰۷-۹۳۰ ق) به نام خواجه نصیر خطاط برای کتابداری کتابخانه فریدون حسین میرزا صادر کرده است عنوان کتابدار ذکر شده است. در این منشور پس از برشمردن تعدادی از آثار نفیس موجود در این کتابخانه، علت گماردن خواجه نصیر به سمت کتابداری، امین بودن او در محافظت از کتاب‌ها ذکر شده است (واصفی، ۱۹۶۱: ۱۰۱۲). قدیمی‌ترین متنی که در دوره صفویه به طور مشخص به وظایف منصب کتابدارباشی اشاره کرده، دستورالملوک میرزا رفیعا است. منصب کتابدار به مسئول کتابخانه سلطنتی اطلاق می‌شده است. کتابدارباشی یکی از از مشاغلی بوده که «مقرب‌الحضره» به شمار می‌رفته، به این معنی که یکی از معدود افراد

نزدیک به شاه بوده است. دارنده این شغل ۵۰ تومان در سال موجب دریافت می‌کرده است (میرزافیعا، ۱۳۸۵: ۲۵۸ و ۴۳۰). کتابداران معمولاً افرادی فرهیخته، هنرمند و دانشمند بوده‌اند و اطلاق لقب «مقرب‌الحضره» در دوره صفویه به دارنده این شغل نشان‌دهنده منزلت دیوانی و سیاسی آن‌ها است.

چون کتابخانه بهترین مکان برای اهل علم به شمار می‌رفت، برخی از محققان نیز ترجیح می‌دادند به عنوان کتابدار در کتابخانه خدمت کنند چنانکه در دوره شاه صفی حکیم میرزا محمد پسر حکیم محمدباقر قمی که پزشک حاذقی نیز بود از شاه خواست که به منصب کتابداری منصوب گردد و تا پایان زندگی در این شغل باقی ماند (واله قزوینی، ۱۳۸۰: ۳۳۸). با تصدی این شغل شرایطی فراهم می‌شد که دانشمندان اهل کتاب می‌توانستند اوقاتشان را با کتاب سپری کنند.

از دوره تیموریان که اوج ترقی هنر کتاب‌سازی و کتاب‌آرایی در تاریخ ایران بود، همواره با حمایت دولت‌ها هنرمندان برجسته‌ای در کتابخانه‌های درباری به خلق آثاری ماندگار مشغول بودند. در دوره صفویه این سنت ادامه یافت و دارندگان این شغل به عنوان کارگزاران درباری بسیار مهم مورد توجه واقع می‌شدند. شاه اسماعیل صفوی (۹۰۷-۹۳۰ ق) پس از فتح هرات هنرمندان کتابخانه سلطان حسین میرزای بایقرا را به تبریز برد و کتابخانه بزرگی را به سرپرستی کمال‌الدین حسین بهزاد بنا کرد. در این کتابخانه هنرمندانی چون میرمصور، میرک تبریزی و دیگران به خلق آثاری ماندگار پرداختند. در دوره شاه طهماسب یکم (۹۳۰-۹۸۴ ق) شاه محمود نیشابوری کتابدار کتابخانه سلطنتی بود. همین‌طور محیی شیرازی که از خوشنویسان مشهور است در این کتابخانه به کتابداری اشتغال داشت. در دوره حکومت شاه عباس یکم (۹۹۶-۱۰۳۸ ق) صادقی بیک افشار ارومی مدت‌ها ریاست کتابخانه سلطنتی را به عهده داشت و پس از او علیرضا عباسی به این سمت منصوب گشت (همایونفرخ، ۱۳۴۷: ۱۳۳-۱۳۷).

کتابدار عهده‌دار وظیفه تولید، نگهداری و مرمت کتاب‌ها در کتابخانه سلطنتی بوده است تا کتاب‌ها با شرایط مناسب در دسترس طالبان آن‌ها قرار گیرند (فلور، ۲۰۰۷: ۲۷۵). در طول دوره صفویه کتابخانه سلطنتی به طور مداوم گسترش پیدا می‌کرد تا آنجا که در دوره شاه سلیمان کتابخانه شامل ۹۰۰۰ تا ۱۵۰۰۰ نسخه خطی بود (همان: ۲۸۲).

شاردن تاجر و سیاحتگر فرانسوی در سفرنامه خود کتابخانه کاخ چهل ستون را توصیف نموده است. براساس مشاهدات او در کنار کتابخانه کارگاه صحافی نیز قرار داشته است. در دیوارهای کتابخانه رفهایی با عمق پانزده شانزده انگشت وجود داشته که کتابها به صورت افقی و با توجه به اندازه روی هم چیده می‌شده است. پرده‌ای آستر دار از سقف آویزان بوده که جلوی رف‌ها را می‌پوشانده و اگر کسی وارد کتابخانه می‌شده تنها پرده‌ها را می‌دیده است (شاردن، ۱۳۷۴: ۱۴۴۷). با توجه به اصولی که در دوره جدید برای حفاظت و نگهداری از مواد کتابخانه‌ای وضع شده وجود چنین پرده‌هایی هم از نفوذ گرد و غبار به کتاب‌ها جلوگیری می‌کرده و هم محیطی تاریک را برای آن‌ها فراهم می‌آورده که از فرسایش کتاب‌ها جلوگیری می‌نموده است.

در کتابخانه سلطنتی دوره صفویه علاوه بر کتابهای به زبان فارسی، عربی و ترکی دو صندوق کتاب به زبانهای اروپایی نیز نگهداری می‌شده است که شامل ۱۰۰ تا ۱۲۰ مجلد می‌شده‌اند. طبق اطلاعاتی که شاردن از کتابدار کتابخانه گرفته است. بخشی از این کتاب‌ها هنگام شکست پرتغالی‌ها در جزیره هرمز به دست آمدند و بخشی نیز از خانه سفیر هلشتاین به این مجموعه منتقل شده بود (شاردن، ۱۳۷۴: ۱۴۴۸).

وظایف کتابدار تنها محدود به امور کتابخانه نمی‌شد بلکه وی در رأس صحافان، جدول کشان، کاتبان، مذهب‌بان و دیگر کسانی که در زمینه تولید کتاب در کارگاه سلطنتی فعالیت می‌کردند نیز قرار داشت. همه کارکنان کتابخانه سلطنتی و کارگاه صحافی با فرمان شاه منصوب می‌شدند (فلور، ۲۰۰۷: ۲۷۶). این شیوه در مقیاسی

محدودتر در دربارهای ایالتی عمل می‌شد. همه حکام شهرهای دیگر نیز برای خود کتابخانه‌ای داشتند و کتابدارانی در آنجا فعالیت می‌کردند. از جمله این کتابخانه‌ها، کتابخانه سام میرزا فرزند شاه اسماعیل بود که کسانی چون قاضی احمد غفاری در آن خدمت می‌کردند. در کتابخانه فرهادخان معتمدالدوله در اصفهان سلطان حسین باختری از خوشنویسان معروف سمت کتابداری داشت (همایونفرخ، ۱۳۴۷: ۱۳۹).

یکی از کتابداران برجسته عصر صفوی میرزا محمد مقیم کتابدار بود. میرزا مقیم علاوه بر ریاست کتابخانه سلطنتی به کارهای دیگری نیز اشتغال داشت و چون فردی خوش قریحه و اهل ادب بود در منابع اطلاعات پراکنده‌ای از او می‌توان به دست آورد. در این مقاله زندگی و آثار میرزا مقیم به عنوان نمونه‌ای از کتابداران رده بالای دوره صفویه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

زندگی میرزا مقیم کتابدار

محمد مقیم کتابدار اصفهانی پسر میرزا قوامی کفرانی اصفهانی بود. میرزا قواما مستوفی الممالک دربار شاه عباس اول بود. اسکندربیک منشی در وقایع سال ۱۰۲۸ ق. نوشته است میان میرزا قواما و خواجه محمدرضای فدوی که عامل امور دیوان آذربایجان بود بر سر حسابهای مالی درگیری پیش آمد و این درگیری چنان بالا گرفت که شاه کسانی را مأمور تحقیق در محاسبات دفترخانه کرد (اسکندربیک منشی، ۱۳۷۷: ۱۵۷۶-۱۵۷۷). میرزا قواما در همین حین بیمار شده پس از دو روز درگذشت. اسکندر بیک به مرگ او شک کرده و شبهه مسموم شدن او را مطرح کرده است. از نظر نویسنده عالم آرای عباسی او «مرد کریم‌الذات، خیر خیراندیش و نیکخواه خلاق بود» (اسکندربیک منشی، ۱۳۷۷: ۱۵۸۱).

کتابدار

دانسته‌های ما از زندگی میرزا مقیم از پدرش هم کمتر است. او در سال ۱۰۵۲ ق. از سوی شاه عباس دوم (۱۰۵۲-۱۰۷۷ ق) به منصب کتابداری منصوب گشت (وحیدقزوینی، ۱۳۸۳: ۳۴۷). واله اصفهانی از کتابداری با تعبیر «گنجور گنجینه لفظ و معنی» یاد کرده است (واله قزوینی، ۱۳۸۰: ۳۷۵). محمدطاهر نصرآبادی که معاصر میرزا مقیم بوده او را «جوان آدمی صفتی در کمال همواری و ملایمت» دانسته است (نصرآبادی، ۱۳۱۷: ۷۵).

سیاستمدار

میرزا مقیم تنها کتابدار خاصه نبوده و پیداست که دستی هم در سیاست داشته است. در دوره شاه عباس دوم همواره ایران و هند بر سر قندهار اختلاف داشتند. در همین دوره پس از مرگ شاه جهان در هند و ایجاد اختلافات داخلی بر سر جانشینی، شاه عباس از فرصت استفاده کرده تلاش کرد شاه شیعه گلکنده در دکن، عبدالله قطبشاه را با خود همراه کند بنابراین نامه‌ای به او نوشت و در آن نسبت به او اظهار دوستی کرد.

شاه عباس، میرزا مقیم کتابدار را مأمور کرد این نامه را به دربار قطبشاه در دکن برساند (ریاض‌الاسلام، ۱۳۷۳: ۱۸۷). شاه، میرزا مقیم کتابدار را در سال ۱۰۶۹ ق/ ۱۶۵۸ م به «حجابت» و ایلچی‌گری به آنجا فرستاد (وحیدقزوینی، ۱۳۸۳: ۶۴۳). این موضوع که شاه از میان همه درباریان، میرزا مقیم را به عنوان سفیر خود فرستاده نشان می‌دهد که او در امور سیاسی هم نقش داشته و نیز طرف اعتماد شاه بوده است. شاه همراه میرزا مقیم نامه‌ای خطاب به حاکم دکن فرستاد. متن این نامه در منشآت دوره صفویه متعلق به کتابخانه مجلس موجود است. شاه در نامه پس از ذکر روابط دوستانه میان ایران و دکن و اشاره به کدورت پیش آمده، میرزا مقیم را به عنوان کسی که قرار است اظهار مودت و دوستی شاه ایران را به شاه دکن ابلاغ کند معرفی کرده است (منشآت خطی ۵۱۶۲ مجلس: گ ۳۹ ب- ۴۲ الف).

از وقایع مربوط به دوره حضور میرزا مقیم در دکن اطلاعی در دست نیست و حتی مشخص نیست چه وقت به ایران بازگشته است. شاردن در سال ۱۰۷۸ ق/ ۱۶۶۷ م یعنی ده سال پس از رفتن میرزا مقیم به دکن از اصفهان بازدید کرده است و در سفرنامه خود نوشته که میرزا هنوز در سفارت است (شاردن، ۱۳۷۴: ۱۴۴۸). اقامت میرزا مقیم در دکن و بی خبری از او چنان طولانی شد که شاه را نیز نگران کرد. شاه عباس دوم در نامه‌ای خطاب به میرزا مقیم نوشت «چون از تاریخی که آن واقف مراسم بندگی از خدمت والا و درگاه معلی جدا گشته عریضه مشتمل بر کیفیت سوانح و وقایع آن حدود و احوالات سعادت اشمال حضرت رفیع منزلت... سلطان عبدالله قطبشاه به درگاه فلک اشتباه نفرستاد» (مجموعه خطی ۵۹۹۶/۳۹ مجلس: ۱۰۶-۱۰۸). شاه از او خواسته هر چه سریع‌تر یا بازگردد و یا اینکه خبری از خود به شاه برساند. در ضمن به او دستور داده شده دو زنجیر فیل همراه دو فیلبان از سلطان درخواست کرده با خود بیاورد (وحیدفروینی، فیلم ۳۱/ ۲۰۲۰ دانشگاه) اما باز هم در منابع، خبری از میرزا مقیم نیست.

شاعر و ادیب

میرزا مقیم علاوه بر کتابداری و سیاست‌ورزی، شاعر نیز بوده است. محمدطاهر نصرآبادی در تذکره خود در شعر، طبع او را «در کمال شوخی و لطف» دانسته و سپس چند نمونه از اشعار او را ذکر کرده است. (نصرآبادی ۱۳۱۷: ۷۵)

می‌توانی که به مطلب رسی و ناز کنی

گر ز افشاندن دامان پر پرواز کنی

حال من بایست باشد حال او

مثل او می‌بود اگر تمثال او

در جنگ شماره ۱۴۱۹۰ مجلس نیز چندین شعر از میرزا مقیم ذکر شده است که یکی از آن‌ها این دو بیت است:

در دامن من شیشه و در دست تو سنگ است
خوب آمده‌ای با تو مرا هم سر جنگ است
از عالم خالی ز عمل راهنمایی
چون قیله نما ساختن اهل فرنگ است

در سال ۱۰۵۶ ق. ندرمحمدخان پادشاه ترکستان به دلیل اختلافات داخلی به شاه عباس دوم پناه آورد. شاه دستور داد استقبال گرمی از او انجام شود و جشنهای با شکوهی برای ورود وی ترتیب داده شود. میرزا مقیم که از شعرای زمان بود درباره آمدن ندر محمد خان شعری سرود.

از گزارشهای دوران شد پدید	در دیار خان ازبک انقلاب
وارث چنگیزخان ملک گیر	تیغ بند دولت افراسیاب
خان ترکستان به اخلاص درست	کرد رو بر درگه عالم مآب
منهزم گردد چو مریخ از زحل	می برد این شکوه پیش آفتاب
آفتاب لطف حق عباس شاه	ملجأ شاهان نقد بوتراب
خان ازبک آمد از روی نیاز	بر در کیخسرو مالک رقاب
بر سؤال داد دل برجیس و گفت	می رود بهرام نزد آفتاب
(تاج بخش، ۱۳۷۳: ۳۴۹)	

جنگ میرزا مقیم کتابدار

به جز اشعار پراکنده و دیباچه ادبی میرزا مقیم، مهم‌ترین اثری که از او باقی مانده نسخه خطی جنگی است که به سفارش وی گردآوری شده است. این نسخه به شماره ۲۹۲۹ در مجموعه نسخ خطی کتابخانه سپهسالار (شهید مطهری) نگهداری می‌شود. این جنگ به تذکارات نیز مشهور است. تذکارات در سالهای ۱۰۵۵ تا ۱۰۶۱ ق. گردآوری شده و بیش از سی دانشمند به درخواست میرزا مقیم در آن مطلب نوشته‌اند. فهرست مفصل این جنگ را دانش پژوه به چاپ رسانده است (دانش پژوه، ۱۳۵۲: ۶۶-۶۹).

میرزا مقیم در طول شش سال این دفتر را به اشخاص مختلف داد و از آنها خواست در آن مطلبی بنویسند. با توجه به اینکه میرزا مقیم در سال ۱۰۶۹ ق. به سفارت دکن فرستاده شده است بنابراین این جنگ پیش از رفتن او و در دوره کتابداری کتابخانه سلطنتی تدوین شده است. نخستین مطلب این جنگ رساله **نزهةالکتاب و تحفه الاحباب** حسام‌الدین حسن بن عبدالؤمن خوبی مظفری است که به خط ابومسلم ابن محمدعلی جشویی در پایان صفر ۱۰۵۵ ق. نوشته شده است (جنگ: ۲۹۲۹: ۲-۳۴). از یادداشت‌ها برمی‌آید که میرزا مقیم در سال ۱۰۵۶ ق. در مشهد بوده است. در این سال بدرالدین حسن عاملی مدرس مشهد رضوی استاد میرزا محمد مقیم بر این جنگ یادداشت نوشته است (همان: ۲۴۷). این سالی است که شاه عباس دوم در ادامه درگیریهای با هند بر سر قندهار در مشهد بوده است. به نظر می‌آید که کتابدار در سفرهای شاه او را همراهی می‌کرده است.

پس از این تاریخ چند یادداشت متعلق به سال ۱۰۶۰ ق در مجموعه وجود دارد. با توجه به تاریخ و محل یادداشت‌ها پیداست که میرزا مقیم در جمادی‌الثانی سال ۱۰۶۰ ق نیز در مشهد اقامت داشته است. خواجه علی مقیم مدرس جامع مشهد (همان: ۱۹۹) و حسین بن عبدالصمد که پس از یک استخاره مطلبی برای میرزا مقیم نوشته است (همان: ۱۹۴). علی خان نیز رساله ماهیت حزن ابن سینا را در همین تاریخ و البته بدون ذکر محل نوشته است (همان: ۱۹۹). محمد شمسی‌گیلانی دو یادداشت بر این جنگ دارد که یکی از آنها دارای تاریخ ۱۰۶۰ ق. است و شاید در مشهد این مطالب را نوشته باشد (همان: ۲۶۶-۲۶۷). میرزا مقیم در اواخر سال ۱۰۶۱ ق. به شیراز سفر کرده است و در آنجا علی خان شعر خود را در باغچه علی خان در مصلی شیراز در کنار آب رکن آباد در شوال و ذی‌قعدة آن سال بر این جنگ به یادگار گذاشته است (همان: ۲۰۱). دستخط محمدقاسم بن شجاع‌الدین نجفی در اصفهان در ۲۰ جمادی‌الاول سال ۱۰۶۱ ق بر این جنگ

نوشته شده است (همان: ۱۴۸). دستخطی از محمدعلی بن سید محمد بن حیب الله قاضی موسوی متعلق به جمادی‌الثانی ۱۱۱۹ ق نیز وجود دارد که بعداً بر این دفتر نوشته شده است (همان: ۱۲۸).

یادداشت‌های دیگر این جنگ تاریخ ندارند. اما نویسندگان برخی از آنها از مشاهیر دوره صفویه به شمار می‌آیند. برخی از این افراد آثار زیادی دارند و برای محققان کاملاً شناخته شده هستند. از جمله این دانشمندان:

- میرزا ابراهیم شیرازی (همان: ۵۵) وی پسر ملاصدرا بود و در سال ۱۰۷۰ ق

در شیراز درگذشت (آغا بزرگ طهرانی، بی تا: ۸)؛

- عبدالرزاق لاهیجی (جنگ: ۲۹۲۹: ۵۶)؛ از علمای مشهور و شاگرد ملاصدرا بود. در

سال ۱۰۷۲ ق درگذشت (آغا بزرگ طهرانی: ۳۱۹)

- آقا حسین خوانساری (جنگ: ۲۹۲۹: ۱۳۱-۱۳۲) پدر آقا جمال خوانساری

- محمدتقی مجلسی (همان: ۱۸۲) مجلسی اول (۱۰۰۳-۱۰۷۰ ق)

- ملا شمس‌گیلانی (همان: ۲۶۶ و ۲۶۷)

- عبدالرشید کازرونی (همان: ۲۵۹-۲۶۰) شاگرد ملاصدرا و فیض کاشانی (آغا

بزرگ طهرانی: ۳۲۱)

از برخی شخصیت‌هایی که در این جنگ دستخط آنها موجود است، اطلاع زیادی در دست نیست و احتمالاً نوشته‌ای که در این جنگ دارند تنها دستخط موجود از آنها است. آقا بزرگ طهرانی در طبقات اعلام‌الشیعه ذیل شرح حال این افراد تنها ارجاعی که داده به همین جنگ است. از جمله این دانشمندان:

- عبدالعلی گیلانی (جنگ: ۲۹۲۹: ۹۹)؛ آقا بزرگ در طبقات تنها اطلاعی که از این

شخص به دست داده این است که از علمای دوره شاه عباس دوم بوده و خط او در

جنگ میرزا مقیم موجود است (همان: ۳۳۲).

- سید میرزا حسن بن محمدزمان مشهدی (همان: ۱۲۷) وی نیز از علمای قرن

یازدهم بوده است (همان: ۱۴۳-۱۴۴).

- اسدالله (همان: ۹۰ و ۹۷). او اسدالله شوشتری عالم دوره شاه عباس دوم است. تنها

نمونه خط او را آقا بزرگ در همین جنگ دانسته است (همان: ۴۱ و ۴۲).

- ابراهیم رازی (همان: ۱۸۳، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹).
 - حسین بن عبدالصمد (همان: ۱۹۲). او برادرزاده شیخ بهایی بوده است (آغا بزرگ
 طهرانی: ۷).

محتوای یادداشت‌ها

به دلیل اینکه نویسندگان یادداشت‌های این مجموعه عموماً از حکما و اندیشمندان عصر بوده‌اند در محتوای نوشته‌های خود به هیچ وجه وارد مسائل غیر علمی و شخصی نشده‌اند. بنابراین اکثر یادداشت‌ها نقل قول از کتابهای مختلف، از احادیث نبوی و سخنان ائمه (ع)، دعا و شعر است. به طور کلی یادداشت‌ها را به لحاظ محتوایی می‌توان به چهار گروه طبقه بندی کرد:

روایات و منقولات: از کتابهایی مانند کافی (ص ۵۵، ۹۹، ۱۸۲، ۱۳۱)؛ حیوایه‌الحيوان (ص ۴۷)؛ بشاره‌المصطفی (ص ۵۶)؛ کشکول (ص ۱۴۷، ۸۸)؛ امالی ابن بابویه (ص ۸۹)؛ نوادرالحکمه (ص ۵۴)

دعا: دعا برای مریض (ص ۴۶)؛ دعای دفع آفات (ص ۴۶)؛ دعای امام زین‌العابدین (ع) (ص ۱۸۶)؛ خواص حروف و کاربرد آنها برای ازدیاد آب کاریز و برکت زرع (۶۹-۷۰)؛ خواص کلمات به نقل از یونس بخاری که اگر برکاغذی نویسند و بر آب روان اندازند مشکل بگشاید (ص ۸۸)

شعر عربی و فارسی: اشعار بابا افضل (ص ۶۲)؛ اشعار جنیدبغدادی (ص ۶۴)؛ اشعار عربی (ص ۹۹)؛ اشعار شیخ بهایی (۱۲۵)؛ اشعار مولوی (ص ۱۴۲)

موضوعات گوناگون: وصیت شهیدثانی (ص ۴۵)؛ وصیت حضرت امیر (ع) (ص ۱۵۷-۱۵۸)؛ لزوم ثواب (ص ۱۴۸)؛ روش استخراج (ص ۱۹۲)؛ رساله وحدت وجود (۹۱-۹۶)

در ابتدای جنگ نویسندگان یادداشت‌ها نام خود را ذکر نکرده‌اند و در ذیل برخی از آنها با خط نستعلیق بسیار زیبایی که احتمالاً خط میرزا مقیم است نام نویسنده ثبت شده است. اما از نیمه نسخه برخی از نویسندگان یادداشت‌ها نام

خود را همراه یک ترقیمه نوشته‌اند. از شیوه نگارش همین ترقیمه‌ها می‌توان به جایگاه میرزا مقیم میان اندیشمندان آن روزگار آگاه شد ضمن اینکه در برخی موارد نویسنده، تاریخ و محل نگارش یادداشت را ذکر کرده است.

حسن ابن محمد زمان رضوی نوشته است:

حسب الامر مخدومی و امیدگاهی میرزا مقیم به تزییع این مجموعه جرأت نموده اقل العباد الله ابن محمد زمان حسن رضوی (ص ۱۲۷)

ترقیمه آقا حسین خوانساری چنین است:

كتب من الكلمات المبارک تذکره لصاحب المجموعه جمع الله تعالی خیر الدارین...مخلص الفقیر المحتاج...ابن جمال الدین محمد حسین خوانساری عفی عنه

مطالب مجلسی اول که منقولاتی از کافی است با این جملات پایان یافته است:

مختصر تذکره للاخ فی الله استجمع الكلمات الصوریه و المعنویه الجامع اللاخلاق الملکیه و الانسانیه میرزا مقیم ادام الله تعالی عزه توفیقاته و تأییداته به جاه محمد و اله الطاهرین المقدسین اخرج المرئیین الی رحمه ربه الغنی محمد تقی بن مجلسی عفی عنها

یکی از یادداشت‌های جالب این جنگ، نوشته حسین بن عبدالصمد برادرزاده شیخ بهایی است. وی پس از نگارش روش استخاره نوشته:

به طریقی که راقم حروف حسین بن عبدالصمد از عم جلیل القدر خود اجازه داشتیم عالیحضرت سامی مرتبت رفیع منزلت خلف اعظم الوزراء نورچشمی میرزا محمد مقیم مقرب الخاقان صاحب مجموعه را اجازه دادم که در امور جلیله و حقیره به این استخاره عمل نماید. امید که مطالب آن دیباجه کتاب عالمست و بسمله سوره آدمیت موسسه مقضی المرام بوده و ان مخلص را به دعاگویی یاد می‌نموده باشد. حرر فی ۲۶ جمادی الاخر سنه ۱۰۶۰ فی المشهد مقدس.

این یادداشت علاوه بر اینکه نشانگر رابطه نزدیک میرزا مقیم و شیخ بهایی است میزان اعتماد شیخ و برادرزاده اش به میرزا را روشن می سازد. در کتابخانه مدرسه سپهسالار جنگ دیگری با شماره ۵۸۳۸ موجود است که به نام جنگ میرزا مقیم کتابدار شهرت یافته، اما در نسخه به جز یادداشتی که با خطی جدید در آغاز، جنگ را از آن میرزا مقیم دانسته هیچ نشان دیگری وجود ندارد که تأیید کننده این انتساب باشد. در نسخه هیچ نامی از میرزا مقیم نیست و به نظر نمی آید که این انتساب درست باشد. در حالی که در نسخه ۲۹۲۹ بسیاری از افراد مانند محمد بن حسین اسدآبادی (ص ۱۵۸)؛ محمود رازی (ص ۱۹۱) و حسین بن عبدالصمد (ص ۱۹۲) به صراحت در یادداشت خود ذکر کرده اند که بنا به درخواست میرزا مقیم مطلب را نوشته اند.

منصب میرزا مقیم به عنوان کتابدار او را به چهره های سیاسی، فرهنگی و علمی زمان خود نزدیک می کرد و قطعاً او خود چهره ای موجه و علمی داشته که توانسته رابطه دوستی با مجلسی اول، شمسای گیلانی، عبدالرزاق لاهیجی و دیگر علما و دانشمندان معاصر خویش برقرار نماید. جنگ میرزا مقیم نشاندهنده جایگاه فرهنگی این کتابدار در دوره خودش هم می باشد. از سوی دیگر با توجه به اطلاعات بسیار اندک درباره میرزا مقیم، چنین متنی که می تواند گوشه هایی از شخصیت و زندگانی این فرد را روشن سازد خود غنیمی در خور توجه است.

نتیجه گیری

کتابداری در طول تاریخ به عنوان یکی از مشاغل مورد احترام و با اهمیت همواره در جامعه علمی کشور مطرح بوده است. با وجود اطلاعات اندک از زندگی و وظایف کتابداران با مطالعه و بررسی آثار به جای مانده از آنها می توان به جایگاه اجتماعی این طبقه در دوره های مختلف تاریخی پی برد. میرزا محمد مقیم کتابدار یکی از کتابداران مشهور دوره صفویه است که در منابع اطلاع زیادی از زندگی او به دست نمی آید اما با بررسی اخبار پراکنده و مختصر از اقدامات و

آثار او علاوه بر اینکه می‌توان گوشه‌هایی از زندگی این کتابدار برجسته را روشن کرد، نقش و جایگاه وی در امور فرهنگی و سیاسی زمانه خودش نیز آشکار می‌گردد. جستجو در جنگی که میرزا مقیم گردآورده است نشان می‌دهد او دارای ارتباطات وسیعی با علما، دانشمندان و مشاهیر عصر خود بوده و در میان این گروه از اعتبار برخوردار بوده است. مطالعه این جنگ برای شناسایی برخی بزرگان دوره شاه عباس دوم صفوی نیز از اهمیت زیادی برخوردار است. در مجموعه نسخ خطی جنگهایی با این ویژگی به تعداد زیاد یافت می‌شود. این پژوهش بخشی از یک طرح بزرگ است که نگارنده در مورد جنگهای با خطوط گوناگون در دست انجام دارد. با بررسی این گونه از جنگها می‌توان بسیاری از دانشمندان کمتر شناخته شده در دوره‌های مختلف را شناسایی کرده، خطوط آنها را استخراج نمود.

منابع

- اسکندر بیک منشی (۱۳۷۷): *تاریخ عالم آرای عباسی*. تصحیح محمداسماعیل رضوانی. جلد ۳. تهران، دنیای کتاب
- افشار، ایرج (۱۳۵۳): «کتابداری در کتابخانه‌های قدیم ایران». *بررسی‌های تاریخی*. ۹(۲): ۱۵۱-۱۷۰
- تاج‌بخش، احمد (۱۳۷۳): *تاریخ صفویه*. شیراز، انتشارات نوید
- جنگ. ش ۵۸۳۸ کتابخانه سپهسالار (شهیدمطهری). نسخه خطی منسوب به میرزا مقیم کتابدار (فهرست ۴: ۸۷)
- جنگ. ش ۱۴۱۹۰ کتابخانه مجلس شورای اسلامی. نسخه خطی
- دانش‌پژوه، محمدتقی (۱۳۵۲): «گنجور و برنامه او؛ کتابداران هنرمند و دانشمند» هنر و مردم. ۱۳۴: ۵۸-۵۶
- دانش‌پژوه، محمدتقی (۱۳۵۸): «سه جنگ از خطوط دانشمندان ایرانی از سده یازدهم». *کتابداری*. ۷: ۱۱۱-۶۶
- دانش‌پژوه، محمدتقی (۱۳۶۳): *فهرست میکروفیلم‌های کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران*. تهران، دانشگاه تهران
- ریاض‌الاسلام (۱۳۷۳): *تاریخ روابط ایران و هند*. ترجمه محمدباقر آرام و عباسقلی غفاری‌فرد. تهران: امیرکبیر

شاردن، ژان (۱۳۷۴): *سفرنامه. شاردن*. ترجمه اقبال یغمایی، ج ۴. تهران، توس

طهرانی، آغا بزرگ (بی تا): *طبقات اعلام الشیعه (قرن الحادی عشر)*. تحقیق علی نقی منزوی. تهران، اسماعیلیان.

کتابدار، میرزا محمد مقیم: *جنگ*. ش ۲۹۲۹ کتابخانه سپهسالار (شهید مطهری). (فهرست ۴: ۷۹) نسخه خطی. فیلم ۵۵۲۹ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران

مجموعه. ش ۵۹۹۶ کتابخانه مجلس شورای اسلامی. نسخه خطی (فهرست ۱۷: ۳۶۶)

موکهرجی، ا. ک (۱۳۶۷): *تاریخ و فلسفه کتابداری*. ترجمه اسدالله آزاد. مشهد، معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی

میرزا رفیعا (۱۳۸۵): *دستورالملوک*. به کوشش محمد اسماعیل مارچینکوفسکی. ترجمه علی کردآبادی. با مقدمه و توضیحات منصور صفت گل. تهران، مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه

نصرآبادی اصفهانی، محمد طاهر (۱۳۱۷): *تذکره نصرآبادی*. تهران، چاپخانه ارمغان

واصفی، زین الدین محمود (۱۹۶۱): *بدایع الوقایع، تصحیح الکساندر بالدیرف*. جلد دوم. مسکو، فرهنگستان علوم اتحاد شوروی

واله قزوینی، محمد یوسف (۱۳۸۰): *خلدبرین؛ ایران در زمان شاه صفی و شاه عباس دوم*. تصحیح محمد رضا نصیری. تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی

وحید قزوینی، محمد طاهر: *منشآت*. ش ۵۱۶۲ کتابخانه مجلس. نسخه خطی (فهرست ۱۵: ۲۴۵) و ش ۱۸۹ کتابخانه عمومی رشت (فیلم ۲۰۲۰ کتابخانه مرکزی دانشگاه)

وحید قزوینی، محمد طاهر (۱۳۸۳): *تاریخ جهان آرای عباسی*. تصحیح سعید میر محمد صادق. تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

همایونفرخ، رکن الدین (۱۳۴۷): *کتاب و کتابخانه های شاهنشاهی ایران*. تهران، وزارت فرهنگ و هنر

Floor, Wand Mohammad H. F.(2007): *Dastur al-Moluk. A Safavid state manual*. California, Mazdapub